



مظفر محمدی

آزادی ، برابری دانشگاه پادگان نیست

زاهدی مترسک و وزیر علوم دولت احمدی نژاد امسال در يك لشکر کشی به دانشگاه ها، از جمله علي خامنه اي رهبر نظام و فرمانده کل قوا را به مدد طلبید تا ۱۶ آذر را بي درد سر پشت سر بگذارد. اما این اتفاق نیفتاد. خامنه اي، این ژنرال بي ستاره و با عمامه و فرمانده کل قوای ارتش و پاسدار و بسیج و حزب الله را میخواستند به دانشگاه بفرستند تا به دانشجویان، به کارگران و به مردم ایران بگوید، کور خوانده اید دانشگاه پادگان است! زن و مرد برابر نیستند! آزادی و برابری پوچ است! سر جایان بنشینید و هر کس به سهم خودش قانع باشد. اما کو جرات؟!

صفحه ۲

اوباما و تحریم اقتصادی ایران



رحمان حسین زاده

مصاحبه اخير اوباما رئيس جمهور جديد آمريکا به بهانه مسئله هسته ای جمهوری اسلامی حاوی یک هشدار جدی برای مردم ایران است. جناب اوباما اعلام کرده است "با دیپلماسی مستقیم و مشوقهای اقتصادی" خیال سازش با جمهوری اسلامی را دارند. در صورت عدم توافق جمهوری اسلامی "تحریمهای اقتصادی" تشدید میشود. دو روی سیاست ضدانسانی اوباما مستقیماً علیه مردم ایران و علیه شهروندان جامعه است.

معنی وجه اول سیاست اوباما اینست: در صورت سازش و رام شدن جمهوری اسلامی، آمریکا و لایب متحدان وی در دنیا زیر بال جمهوری اسلامی را میگیرند. از رژیم اسلامی حمایت اقتصادی میکنند. فرش قرمز پیش پای سران جنایتکار اسلامی از جناحهای "خوش خیم و بدخیم" آن پهن میکنند. بر طبق منفعتهای سیاسی و اقتصادی آمریکا و قدرتهای بزرگ در تقویت و سرپا نگهداشتن یک مشیت جنایتکار اسلامی که خون مردم را در شیشه کرده اند، سنگ تمام خواهند گذاشت. این بار و مثل هزاران بار تجربه شده در سراسر دنیا ادعای "حقوق بشر پناهی" آمریکا محتوای همیشگی قلابی و ابزاری خود را به نمایش میگذارد و چه بسا جمهوری اسلامی را "بازترین کشور خاورمیانه" معرفی کنند.

وجه دوم سیاست وی به همان اندازه اولی و چه بسا بیشتر ضد انسانی است. بسادگی اعلام میکند اگر جمهوری اسلامی تن به سازش ندهد و رام نشود، به جای رژیم مردم را مجازات میکنند. با گرسنه کردن وبا گرو گرفتن نان سفره مردم و شیر خشک نوزادان و قطع امکانات زیستی و درمانی و بهداشتی تحت نام "تحریم اقتصادی" یک نسل کشی عظیم را سازمان



حسین مرادیگی

سنگربندی کارگری محکم لازم است

سرایت بحران جهانی سرمایه به اقتصاد جمهوری اسلامی مثل هر کشو سرمایه داری دیگری، برای طبقه کارگر در ایران، در گسترش اخراج و بیکار سازیها، کاهش دستمزدها، زدن مزایای کارگران، تشدید کار بخش شاغل طبقه کارگر و در کل، تحمیل فقر و فلاکت بیشتری به این طبقه ترجمه خواهد شد. خارج کردن حداقل دستمزدها از دستور کار تعیین دستمزدها در سال آینده، عدم پرداخت حقوق معوقه بخش وسیعی از کارگران که هر روز بر تعداد آنان افزوده میشود، بلاتکلیفی کارگران لاستیک البرز و مشابه آنان که در ادامه تعطیلی

صفحه ۳

دروغ بر دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) (سخنرانی رحمان حسین زاده به مناسبت ۱۶ آذر)

غروب روز شنبه ۱۶ آذر از ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی در شهر گوتنبرگ سوئد مراسمی در گرامی داشت مبارزات آزادیخواهانه دانشجویان توسط تشکیلات شهری حزب حکمتیست برگزار شد. متن زیر بر اساس سخنرانی رحمان حسین زاده در این مراسم تنظیم شده است. امروز شنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۷ سالگرد روز اعتراض دانشجویی ایران است. ما هم به این مناسبت در این تجمع گردهم آمده ایم. ما با تجمع خود مبارزات و اعتراضات آزادیخواهانه و حق طلبانه در تاریخ مبارزات ۱۶ آذر را گرامی میداریم.

صفحه ۳

سوپاپ مهار دانشجویان

در هم شکست عباس رضایی صفحه ۵

کنفرانس سوم

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

برگزار شد

صفحه ۵

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ به وقت تهران
تکرار برنامه ۳:۳۰ تا ۲:۳۰ نیمه شب

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

هر هفته سه شنبه ها منتشر می شود

پرتو را بفایده و به دوستان خود معرفی کنید

پرتو

زنده باد سوسیالیسم

ادامه از ص ۱

آزادی ، برابری دانشگاه پادگان نیست

شیخ آزادی، برابری بر فراز جامعه، بر فراز دانشگاه ها و بر فراز سر دولت احمدی نژاد و فرمانده کل قوا، چنان سهمناک بود که این جیونان نتوانستند با آن روبرو شوند. خامنه ای و وزیر علومش به خود جرات ندادند به دانشگاه بروند و چشم در چشم دانشجویان بدوزند و شعار مرگ بر دیکتاتور و زنده باد آزادی، برابری را بشنوند. این شازده های جیون و بی عرضه تنها میتوانند پشت لوله های تفنگ و با اتکا به زندانها و جوبه های دارشان و در رویارویی با زندانیان در سلولهای انفرادی، هارت و پورت و قدرت نمایی کنند. اینها جرات مقابله با جنبشهای اجتماعی و رودر رو شدن با آن و شنیدن و چشیدن مزه حقیقت را ندارند. اینها فهمیده اند که جنگهای اجتماعی، توازن قوای دیگری لازم دارد.

تجمع چند هزار دانشجو در

دانشگاه های مازندران، شیراز، ارومیه، کردستان، تهران و ...، ظاهراً با نیروی چند میلیونی ارتش و بسیج و پاسدار و با زرادخانه نظامی که می رود هسته ای هم بشود قابل مقایسه نیست. اما این زرادخانه نمیتواند با یک نیروی اجتماعی ولو در مقیاس کمی غیر قابل مقایسه، مقابله کند. احمدی نژاد مزه این حقیقت را که من میگویم چشیده است. لاریجانی هم می فهمد و به سرش آمده است. خامنه ای هم اگر میرفت به همان سرنوشت دچار میشد.

موج آزادیخواهی و برابری طلبی، تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی و قومی را هم بی نصیب نگذاشت. این جریان که با چراغ سبز دولتی ها و حراستی ها و با استفاده از فرصت تعرضات سرکوبگرانه رژیم به چپ دانشگاه ها، میخواست و میخواهد ابراز وجود مجدد کند، اما امسال هم حضور و نفوذ و اتوریته آزادیخواهی و برابری طلبی این جریان را از مسیرش منحرف کرده و اوضاع را از دستش خارج کرد. در دانشگاه تهران در حالیکه تحکیمی ها در همان ساعات اولیه، مراسم را پایان یافته اعلام میکنند و میگویند دیگر در قبال آن مسئولیتی ندارند، تازه شعارهای

رادیکال دانشجویان چپ سر داده میشوند. سید علی پینوشه ...، مرگ بر دیکتاتور، حمایت از کارگران و زنان و سرود یار دبستانی من... و در دانشگاه های مازندران، شیراز، کردستان و ... آزادی، برابری و دانشگاه پادگان نیست، صلابت و تداوم جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را اعلام میکند.

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه و در راس آن در دانشگاه ها، "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب"، جنبشی چنان انسانی است که توانسته و میتواند همراهی، حمایت و سمپاتی میلیونی را به همراه داشته باشد. این جنبش را باید پاس داشت. این جنبش، یک رژیم تا دندان مسلح را در مقابل خود دارد و راه های مقابله با آن را می شناسد. زمان پیشروی و تعرض و یا ایستادن و سنگرها را عمیق تر کردن را خود تشخیص میدهد. اما همزمان باید هشیار جریاناتی بود که میخواهند این جنبش را از محتوای رادیکال و آزادیخواهی و برابری طلبی اش تهی کنند. لباس اصلاح طلبی و مماشات و تند نروید و شلوغ نکنید و بروید کارگری بشوید، بر تنش کنند و نقشه تفرقه و تقسیم و شقه شقه

کردنش را دارند. باید به جنگ این تفرقه اندازی هم رفت. فعال "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" به جای خود، هیچ دانشجویی ولو برای تحقق یک خواست صنفی بی نیاز از این جنبش نیست. باید این جنبش را تقویت کرد و گسترش داد. باید داب را محور آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاه ها نگه داشت و عضو و فعال آن شد. این سمبل حرکت و حرمت انسانی، فارغ از قومیت و جنسیت و مذهب و ... تک تک دانشجویانی است که در این محیط کار و زندگی میکنند.

آزادی، برابری پرچم یک مبارزه طبقاتی است. ضد سرمایه داری و ضد تبعیض و نابرابری و آپارتاید جنسی است. پرچم طبقه کارگر است. باید به پیشقراولان این جنبش انسانی و به فعالین و مدافعان آزادی، برابری و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب درود فرستاد. آزادی و برابری تنها یک شعار نیست. وظیفه طبقه کارگر آگاه و همه آزادیخواهان و برابری طلبان، وظیفه ما، این است که آزادی، برابری را به قانون زندگی مردم و جامعه تبدیل کنیم.

سرنوشت جمهوری اسلامی میدانند. اوباما و سیاستهای اعلام شده وی در قبال ایران و سیکل جدید امیدواری جریانات راست اپوزیسیون نسبت به سیاستهای آمریکا را باید خنثی و منزوی کرد.

نمیخواهند سر به تن جمهوری اسلامی باشد و برای سرنوشتی آن قدم به قدم نیرو جمع میکنند تا به قدرت خود این رژیم را ببندازند، دخالتهای آمریکا و سیاست تشویق و یا تحریم اقتصادی آن را مانع بزرگی در راه پیشروی جنبش آگاهانه و حق طلبانه خود برای

کند که اینها چکاره اند؟ و دست آمریکا از سر مردم ایران کوتاه! که تحریم اقتصادی و یا سیاست مشوق اقتصادی موقوف. جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه ایران علیه جمهوری اسلامی دخالتهای آمریکا و بویژه محاصره اقتصادی آن را محکوم میکند. مردمی که

→ میدهند. همان کاری که در دهه نود میلادی در عراق و بالکان تجربه شد و نه رژیمهای حاکم را مستأصل کردند. هر انسان و جریان آگاه و متکی به اراده مردم برای تعیین سرنوشت جامعه با تف کردن به سیاستهای اوباما و قدرتهای بزرگ باید اعلام

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب: A.J

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱

نام بانک: Barclays

سنگربندی کارگری محکم لازم است

دروود بر دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (دب)

قصدمن پرداختن به کل تاریخ ۱۶ آذر نیست. میخواهم از جای دیگری شروع کنم. میخواهم از جایی شروع کنم که این لحظه یکسال و ۳ روز از آن گذشته است. از ۱۳ آذر سرخ سال گذشته (۱۳۸۶) شروع کنم. از جایی شروع کنم که به نظر من فصل جدیدی را در جنبش اعتراض سیاسی جامعه ایران گشود. ۱۳ آذر سال گذشته نقطه عطف مهمی بود. نقطه عطفی که بدون پیشینه نبود. جنبش نوینی که چند سال بود، پروسه تعیین مسیر سیاسی خود با پرچم و پلتفرم سیاسی آزادی و برابری و به میدان آمدن رهبران و چهره های جوان و کمونیست خود را شروع کرده بود. دو سال قبل جمهوری اسلامی، رهبران و فعالین این جنبش را با "ستاره دار" کردن از دانشگاه و تحصیل محروم میکرد. غافل از اینکه با اینکار آنان را به عنوان "ستارگان" مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه به جامعه معرفی کرد.

سیزدهم آذر سال گذشته صرفا آکسیونی در یک روز نبود. بلکه سراغاز علنی جنگ سیاسی بود که در طول یکسال گذشته و تا به امروز ادامه دارد. بیایید با هم تأثیرات این روز و این جنبش را در چند سطح بررسی کنیم.

ابتدا تأثیرات این جنبش را در عکس العمل جمهوری اسلامی ببینیم. همین امروز قرار است خامنه ای نفر اول سردستانان اسلامی را برای اولین بار به دانشگاه ببرند* سالهای گذشته اینکار را نکردند، امسال چرا؟ غیر از اینست میخواهند با اعتراضات آزادیخواهانه و برابری طلبانه موجود

جمهوری اسلامی است. تجربه خود کارگران بیهوده بودن این تصور را که کارگر و فعال کارگری تنها و در محدوده رشته تولیدی یا کاری خود بتواند جمهوری اسلامی را عقب براند، بارها ثابت کرده است. یک قدم پیروزی کارگر را بعدا جمهوری اسلامی دست در دست کارفرما با یورش دیگری با تحمیل چند قدم عقب نشینی به کارگر به نفع خود جبران خواهد کرد. بیان بالا به هیچ وجه به معنی دست کم گرفتن و یا بی اهمیت کردن مبارزه یک عده کارگر متحد در یک رشته تولیدی و یا مرکز کارگری علیه کارفرما و جمهوری اسلامی نیست. این کار لازمه و شرط اتحاد وسیعتری در میان کارگران است. مساله این است، اگر کارگران بخواهند سد محکمی حتی در مقابل یورش وسیع هر روزه جمهوری اسلامی به دستمزدها و معیشت خود و خانواده های کارگری ایجاد کنند بویژه در این دوره که با ادامه بحران اقتصادی جمهوری که به ورشکستگی و تعطیلی بیشتر رشته های تولیدی و از اینطرف گسترش بیکاری کارگران منجر خواهد شد، جز از این طریق کار چندان از آنان ساخته نخواهد شد. دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و متکی کردن تشکلهای موجود به مجامع عمومی کارگران و روی آوری کارگر و فعال کارگری کمونیست به تحزب کمونیستی راه واقعی در جهت قدرتمند کردن طبقه کارگر در این دوره در تقابل با یورش وسیع جمهوری اسلامی به زندگی و معیشت این طبقه و همچنین تبدیل شدن طبقه کارگر به وزنه ای از قدرت در تحولات سیاسی آینده ایران است. بدون این کار طبقه کارگر هر گامی را که رفته باشد ناچار در میان جناحهای مختلف بورژوازی در ایران پراکنده خواهد شد و دوباره کارگر خاموش و کارآرزان شرایط کاری او را تشکیل خواهند داد.

جمهوری اسلامی را ندارد. طبقه کارگر نمیتواند برای یک لحظه هم از فکر کردن در مورد دستمزدها، و از مبارزه هر روزه بر سر دستمزدها و از مبارزه برای بهبود شرایط کاری خودش دست بردارد. دست کشیدن طبقه کارگر از این مبارزه یعنی دست کشیدن از نفس زندگی. در این دوره برای مقابله با یورش وسیع جمهوری اسلامی به دستمزدها و به زندگی روزانه طبقه کارگر که با گسترش بحران اقتصادی جمهوری اسلامی تشدید میشود، در گام اول کارگران به یک سنگربندی مشترک مبارزاتی - مطالباتی نیاز دارند. دیگر نه رمقی برای طبقه کارگر و نه جانی برای قبول هیچ کمبودی از جمهوری اسلامی برای کارگر و خانواده های کارگری باقی نمانده است.

برای این کار باید به هم وصل شد و مبارزه مشترکی را علیه جمهوری و در دفاع از دستمزدها و از زندگی و معیشت خانواده های خود سازمان داد. وصل شدن و بهم بافتن کارگران و رهبران و فعالین کارگری در کشوری مانند ایران که جمهوری اسلامی کارگران را از حق تشکل مستقل خود محروم کرده است، اگر کسی نخواهد کلاه سر خودش بگذارد، از یکطرف به پاگرفتن جنبش مجامع عمومی و از طرفی دیگر به تحزب کمونیستی کارگر در ایران گره خورده است. وصل کردن و گذاشتن دست رهبران و فعالین کارگری در دست هم در این یا آن رشته تولیدی و مراکز کار، جز از این طریق ممکن نیست. طبقه کارگر تنها از اینطرف زورش به جمهوری اسلامی میرسد و تنها از اینطرف جمهوری اسلامی از او حساب می برد.

نایده گرفتن و دست کم گرفتن این حقیقت، محروم کردن طبقه کارگر از دو ابزار مهم خود در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و کارفرمایان و در بستن یک سنگر مبارزاتی واقعی در دفاع از حقوق و معیشت روزانه خود در مقابل

رشته های تولیدی غیر سودآور هر روز کارگران بیشتری را شامل میشود، احضار تعدادی از فعالین کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه، دسیسه مشترک دولت و کارفرما علیه کارگران پریس، گسترش اخراج و بیکارسازی ها بدنبال ورشکستگی و تعطیلی واحدهای تولیدی غیر سودآور، گوشه هایی از تشدید یورش جمهوری اسلامی به طبقه کارگر در ایران را نشان میدهند.

روزانه دهها کارگر را در ایران بدون برخورداری از هیچ نوع بیمه بیکاری ای، بدون هیچ حمایت اجتماعی ای در دامن بی رحم فقر و گرسنگی رها میکنند. مساله تنها به بیکاری ختم نمیشود، با هر موج بیکار سازی ها نسلی از طبقه کارگر با افتادن در دام اعتیاد و تن فروشی و دهها مصیبت دیگر نابود میشود. بیکار کردن ۲۵۰ هزار کارگر در عرض شش ماه، آنهم بنا به آمار خود جمهوری اسلامی، و افزایش هر روزه آن بیانگر خطر فلاکتی است که طبقه کارگر را در ایران تهدید میکند. در کنار اینها، نا امنی محیط کار و سهل انگاری جمهوری اسلامی و کارفرمایان در بهبود شرایط کار هر روزه از طبقه کارگر قربانی میگردد. اخیرا ۵ تن از کارگران سیمان آبیگ قزوین بر اثر فرو ریختن کوره این کارخانه جان خود را از دست دادند. جان دو تن دیگر نیز که به شدت زخمی شده اند در خطر است.

جمهوری اسلامی حکومتی است سراپا ضد کارگر. از اعمال هر نوع توحشی علیه طبقه کارگر در ایران خودداری نمیکند. در کنار استفاده از دستگاه زور و سرکوب و تحمیل اسلامی خود همچنین از بیکاری وسیع، از تحمیل فقر بویژه از پراکندگی درون صفوف طبقه کارگر برای به تمکین کشاندن این طبقه و بازتولید کارآرزان در ایران بهره برداری میکند. واضح است طبقه کارگر هم بنا به موقعیت خود در تولید اجتماعی راهی جز رویارویی با

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی



آزادیخواهی و برابری طلبی را احیا کرده و به جلو رانند. که با اینکار خود مسیر روشن تحولات آینده جامعه را ترسیم کردند و فراخوان دهند که بیایید با هم این جنبش را گسترش داده و تقویت و تحکیم کنیم.

ما تجمع کنندگان این مراسم با درود به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب این جنبش را تقویت میکنیم.

بعد از تحریر * در این سخنرانی به احتمال حضور خامنه ای در دانشگاه علم و صنعت اشاره رفته است. تا روز شنبه ۱۶ آذر قرار بود چنین برنامه ای اجراء شود. اما در فرصت محدودی قبل از مناسبتهای این روز اعلام میشود، حضور خامنه ای در دانشگاه لغو شده است. جمهوری اسلامی هر توجیهی برای لغو سفر خامنه ای به دانشگاه داشته باشد، نهایتاً این نکته حائز اهمیت است، که علیرغم تدابیر و کنترلهای شدید امنیتی خامنه ای نتوانست و جسارت نکرد به میان دانشجویان برود، این عقب نشینی و رفع این مزاحمت پیش پای دانشجویان در روز ۱۶ آذر یک موفقیت مهم و یک خبر خوب روز ۱۶ آذر امسال بود.

گسترده و در پهنه بین المللی ادامه پیدا کرد. بعد دیگر این جنگ بستن وثیقه های سنگین به دستگیر شدگان ۱۳ آذر بود. جمهوری اسلامی از این جنبش گروگان گرفته بود. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی با ابتکار و همت خود گروگانهایش را آزاد کرد. جنگ روانی وزارت اطلاعات و وبلاگهای وابسته اش بعد دیگری از ادامه این جنگ است با شگردهای پاختورده. اینها ابعادی از تأثیرات این جنبش است که در عکس العمل دشمن به داب (دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب) خود را نشان داده است.

از جنبه دیگری تأثیرات عمیق این جنبش را ببینیم. ۱۳ آذر سال گذشته جنبشی از اعماق جامعه را رو آورد. مطالبات و آرزوهای برحق کارگر، زن و انسان تحت استثمار جامعه را از عمق به سطح آورد. پرچم جنبش نوین و متفاوتی را حتی نسبت به سابقه خود ۱۶ آذر علم کرد. بگذارید توضیح دهم. اگر بپرسند ۱۶ آذر کجا شروع شد و اعتراض به چی بود؟ ناظر آگاه برای شما توضیح میدهد که ۵۵ سال قبل به هنگام سفر نیکسون معاون ریاست جمهوری وقت آمریکا به ایران، "در اعتراض به کودتای سال ۱۳۳۲ و در اعتراض به رژیم سلطنت و وابستگی آن به آمریکا و برای استقلال ملی" اعتراض دانشجویی در دانشگاه تهران اتفاق افتاد. از آن زمان روز ۱۶ آذر به عنوان روز اعتراض دانشجو ثبت شد. اما اگر بپرسند ۱۳ آذر ۱۳۸۶ چگونه اتفاق افتاد و برای چی بود؟ گفته میشود. پلاتفرم آزادی و برابری مطرح بود.

علیه جنگ و سرکوبگری و دانشگاه پادگان نیست مطرح بود. اتحاد با جنبش کارگری و جنبش زنان مطرح بود. میگویند مارکسیستها و کمونیستها به میدان آمدند. دستگیری و زندانی دادند و صدای جدیدی را مطرح کردند. میگویند یک جنبش جدید با کاراکتر جدید و با رهبران جوان و کمونیست عرض اندام کرد. تا همین جا یک جنبش نوین و یک روز مهم دیگر در تاریخ سیاسی ایران ثبت شد.

→ در دانشگاه مقابله کنند. غیر از اینست میخواهند اثرات عمیق ۱۳ آذر سال گذشته را خنثی کنند. غیر از اینست میخواهند نشان دهند، هستند و قلدری میکنند. فشار جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی خامنه ای را به دانشگاه میبرد! خامنه ای را برای مقابله با فشار و قدرت جنبش آزادی و برابری به دانشگاه میبرند و نه هیچ چیز دیگر. میخواهند اعلام کنند، دانشگاه پادگان است. کور خوانده اند!

از دهم آذر مانورهای نظامی را تشدید کردند، وزیر علومشان اعلام کرده که با "ضد انقلاب ها" در دانشگاه مقابله میکنند. همزمان و رسماً به تحکیم وحدت اجازه برگزاری مراسم میدهند. آیا ابهامی وجود دارد که هر دوی اینکار دو روی یک سکه و دو تاکتیک مکمل هم برای مقابله با اعتراض آزادیخواهانه و برابری طلبانه و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب است. چرا پارسال با دست و دل بازی از تحکیم وحدت دعوت نکردند که مراسم برگزار کند. چرا سال گذشته اجازه برگزاری مراسم را به آنها نمیدادند؟ قاعدتاً سران تحکیم وحدت در خلوت خود میدانند زیر فشار جنبش آزادیخواهان و برابری طلبان دانشگاه، آنها هم امتیاز گرفته اند. اجازه برگزاری مراسم را مدیون دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب هستند!

سال گذشته قبل از ۱۳ آذر جمهوری اسلامی جنگ را تحمیل کرد. دستگیری رهبران و فعالین اصلی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را چند روز قبلتر از ۱۳ آذر شروع کردند. فکر میکردند مانع برگزاری مراسمی سرخ ۱۳ آذر میشوند. اشتباه کردند و متوجه نبودند که صف دیگر و نسل دیگری از رهبران و فعالین آزادیخواه و برابری طلب یورش رژیم را خنثی کردند و عزم و اراده بر افراشتن پرچم آزادی و برابری را در روز ۱۳ آذر به نمایش گذاشتند. این جنگ بعد از ۱۳ آذر با دستگیریهای بیشتر، با اعمال شکنجه و اذیت در زندان و با حمایت و همبستگی در داخل و خارج کشور ادامه پیدا کرد. این جنگ سیاسی در ابعادی

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود!

کنفرانس سوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برگزار شد

مارکسیست، صدها مارکسیست سابق مجیزگوی نظام سرمایه داری بودند، امروز فضا به نفع سوسیالیسم و رادیکالیسم تغییر کرده است و قاعدتا باید برای کمونیستها، فعالیت کمونیستی کارگری منشاء انرژی و تحرک جدید در مبارزه طبقه کارگر باشد. اگر امروز میگویند مارکس حق داشت باید ترجمه عملی اش برای ما این باشد که مانیفست حق داشت: دنیای دیگری ممکن است. در این شرایط جمع بزرگی از کمونیستها در این کنفرانس جمع شده اند و این باید ←

شرکت کنندگان در کنفرانس، طی سخنانی گفت که این کنفرانس در شرایطی برگزار میشود که اوضاع جهانی به شدت دستخوش تغییرات است. نظام سرمایه داری یکی دیگر از بحرانهای حاد خود را از سر میگذارند. و مثل بحرانهای دیگرش هارتر از گذشته به جان طبقه کارگر خواهد افتاد. وی تاکید کرد اگر در بیست سال پیش دنیا شاهد فروپاشی "کمونیسم اردوگاهی" بود، دفاع از مارکسیسم و کمونیسم با تمسخر مواجه میشد، در مقابل هر

پس از تصویب آئین نامه کنفرانس، دستور زیر به تصویب رسید.
۱- افتتاحیه
۲- سخنرانی فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب
۳- گزارش و اظهارنظر حول آن
۴- پلاتفرم و اولویتهای دور آتی تشکیلات خارج کشور
۵- انتخابات
۶- اختتامیه
۷- گفت و شنود با رهبری حزب در افتتاحیه کنفرانس دبیر کمیته خارج، جمال کمانگر ضمن خوشامد گویی از مهمانان و

کنفرانس سوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در روزهای ششم و هفتم دسامبر در شهر گوتنبرگ سوئد با موفقیت برگزار شد. در این کنفرانس بیش از شصت نفر از تشکیلاتهای اصلی حزب در خارج کشور و هیئتی از حزب کمونیست کارگری عراق و جمعی از دوستان حزب شرکت داشتند. کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم و یاد منصور حکمت عزیز کار خود را شروع کرد.

سوپاپ مهار دانشجویان در هم شکست



عباس رضایی

اسلامی به عقب براند. اعتراض در دانشگاه تهران شروع و پایان هیچ چیزی نبود. اعتراضات دانشجویی همچنان در اشکال مختلف ادامه دارد. شیخ آزادیخواهی و برابری طلبی در همه دانشگاههای ایران در پرواز است و این برای جمهوری اسلامی به صورت کابوسی در آمده است. مسئله اینجا است که رادیکال شدن این اعتراض و تعرضش به جمهوری اسلامی نه تنها ربطی به دفتر تحکیم نداشت، بلکه دفتر تحکیم وحدت را بار دیگر پشت سر گذاشت. آنها اعلام کرده بودند دیگر وارد سیاست نمی شوند کار فرهنگی می کنند. یک نیروی خودی شکست خورده برای جمهوری اسلامی بودند و سوپاپ اطمینان! که این سوپاپ در هم شکست.

دادند. سایه اعتراضات ۱۳ آذر سال گذشته بر اعتراضات امسال امسال جمهوری اسلامی در جواب به شعار اصلی ۱۳ آذر سال گذشته ("دانشگاه پادگان نیست") قصد داشت علی خامنه ای رهبر کل قوا را به دانشگاه بیاورد که از ترس اعتراضات رادیکال و ضایع شدن رهبر، این تصمیم را لغو کرد. جمهوری اسلامی بعد از یک سال شکنجه و زندانی کردن فعالان داب هنوز بر این امر اشراف داشت که داب تنها با زندانی کردن و شکنجه عده ای از رهبران شکست خورده است و هنوز این پتانسیل را دارد که دانشگاه را دوباره بجنباند. جنبشی که در سال گذشته بطور علنی و مستقل در دانشگاه های ایران خود نمایی کرد توقعات دانشجویان را بالا برد و دیدیم که در ۱۷ آذر امسال این جنبش به شعارهای آرام و خودمانی دفتر تحکیم بسنده نکرد. نمی شود از دانشجویی که سال گذشته در ۱۳ آذر بوده باشد، امسال خواست که به جای مرگ بر دیکتاتور شعار احمدی نژاد پاسخگویش را سر دهد، نمی شود ۱۳ آذر سال گذشته را به عقب راند، این خاکریزی است که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب فتح کرده بودند و اکنون دیدیم سنگری شد که دفتر تحکیم را به همراه جمهوری

نه تعداد سخنرانی ها بلکه بحث بر سر یک اعتراض دانشجویی است که به بهانه فراخوان دفتر تحکیم وحدت برگزار شد و به جای یک اعتراض آرام مورد دلخواه دفتر تحکیم وحدت به یک اعتراض ضد حکومتی تبدیل شد. جمهوری اسلامی یک بار دیگر اشتباه کرد، چرا که از ترس حضور دوباره دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به منتقدان خودی واز درون اجازه برپایی مراسم ۱۶ آذر را داد و همین امر باعث شد تا بهانه در دست دانشجویان متنفذ از جمهوری اسلامی از طیف های مختلف داده شود تا یک بار دیگر اعلام کنند که دانشگاه پادگان نیست، که اعلام کنند ایران پینوشه نمی خواهد، تا اعلام کنند مرگ بر دیکتاتور... اعضای دفتر تحکیم وحدت هرچقدر تلاش کردند نتوانستند جلوی رادیکال شدن اعتراض را بگیرند، بارها هشدار دادند و با معترضین درگیر شدند اما موج اعتراض، دفتر تحکیم را به عقب راند. اعتراض روز ۱۷ آذر در دانشگاه تهران یکبار دیگر نشان داد که دیگر نمی شود اعتراضات دانشجویی را به سوی طرفداری از یک جناح حکومت کشاند! چرا که همانها که شعار مرگ بر دیکتاتور سر می داند علیه خاتمی هم شعار

به مناسبت ۱۶ آذر جمعی توسط دفتر تحکیم وحدت فراخوان داده شد که شعارها و مطالب مشخصی داشت. شعار اصلی دفتر تحکیم وحدت "احمدی نژاد پاسخگو باش!" بود اما این حرکت آن چنان که دفتر تحکیم برنامه ریزی کرده بود پیش نرفت چرا که در همان شروع، صفوف اعتراض دوشاخه شده بود. طبق آمار منتشر شده اعضای دفتر تحکیم که نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند با دردت داشتن باندروال های خود، پایین تر از صفوف اصلی اعتراض قرار گرفته بودند. اما شعار اعتراض اصلی با باندروال ها و شعارهای جمع محدود دفتر تحکیم فرق می کرد معترضین در مقابل شعار "احمدی نژاد پاسخگو باش" که توسط دفتر تحکیم نوشته شده بود، شعار می دادند "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه" و یا "مرگ بر دیکتاتور" همین امر باعث شد که تریبون آزاد قبل از آمدن اعضای اصلی دفتر تحکیم وحدت برگزار شود. رهبران دفتر تحکیم بعد از حضور در جمع و چند سخنرانی کوتاه اعلام کردند که این مراسم پایان یافته است و ما دیگر مسئولیتی در این زمینه نداریم. گزارشات زیادی از این اعتراضها منتشر شده است، اما اینجا بحث من نه آمار شرکت کننده ها است و

زنده باد جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی



کنفرانس پلاتفرم را با وارد کردن اصلاحاتی جزئی، به اتفاق آرا به تصویب رساند.

دستور بعدی انتخابات بود. در این بخش کنفرانس با انتخاب رفقا: جمال کمانگر، لادن داور، ناصر مردای، عباس رضایی و فواد عبداللهی کمیته پنج نفره خارج کشور را انتخاب کرد. کنفرانس با اختتامیه جمال کمانگر در میان شور و شوق حاضرین به کار خود پایان داد.

کمیته منتخب در نشست کوتاهی جمال کمانگر را به اتفاق آرا به دبیری کمیته و ناصر مردای را بعنوان معاون دبیر، لادن داور را بعنوان دبیر مالی و عباس رضایی را بعنوان دبیر تبلیغات انتخاب کرد.

روز دوم کنفرانس به گفت و شنود با رهبری حزب اختصاص داده شد که در این گفت و شنود، از طرف دفتر سیاسی حزب رفقا فاتح شیخ، خالد حاج محمدی و عبدالله دارابی شرکت داشتند. در این بخش نیز رفقای دفتر سیاسی در سخنان کوتاهی به جوانب مختلف کار حزب و نقش و جایگاه آن در این دوره پرداختند. بدنبال رفقا با شور و شوق و در فضایی مملو از جدیت و صمیمیت، ضمن طرح سوالاتی از رهبری حزب، نکات و پیشنهادات مهم و قابل ملاحظه ای را به اطلاع دفتر سیاسی رساندند.

**کمیته خارج کشور حزب
کمونیست کارگری-حکمیست
هشتم دسامبر ۲۰۰۸**

فعالیتی "پشت جبهه" تلقی نکرده، بلکه همیشه بعنوان یک جبهه جدی و حیاتی نبرد طبقاتی خود بر آن تاکید کرده است، این تاکید در شرایط نبردهای طبقاتی حاصل از بحران جاری، دوچندان صادق است. در خاتمه اظهار داشت توقع دفتر سیاسی حزب از کنفرانس ترسیم یک خط مشی روشن برای تحکیم و تقویت یک ماشین حزبی مدرن، منضبط و قادر به دخالتگری بیشتر و موثرتر در این عرصه مهم است.

بعد از آن پیام حزب کمونیست کارگری عراق از طرف رفیق کامل احمد قرائت شد. رفیق کامل در سخنانش ابتدا از حضور و دعوت رسمی حزب حکمیست تشکر کرد و بر ضرورت تحکیم رابطه دو حزب در دوران کنونی بیش از هر زمان دیگری تاکید کرد.

کنفرانس سپس وارد مبحث گزارش شد که از طرف جمال کمانگر در ارتباط با عرصه های متنوع کار در خارج کشور طی یک سال گذشته و موقعیت حزب ارائه شد. او تاکید کرد که در یک سال گذشته فعالیت حزب ما نقش در خارج کشور مهمی در رادیکال و میلیتانت نگه داشتن فضای خارج کشور علیه جمهوری اسلامی داشته است. دبیر تشکیلات خارج اشاره کرد که تشکیلات خارج حزب در دوره گذشته تلاش داشته است جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران را در خارج کشور نمایندگی کند و در همه تنگناها نیروی اصلی مدافع آن باشد و به زبان حال اعتراض رادیکال و سوسیالیستی این جنبش در خارج کشور تبدیل شود. دبیر تشکیلات خارج در ادامه گزارش خود به اقدامات متنوع تشکیلات حزب در خارج کشور در دفاع از طبقه کارگر و مردم محروم ایران، در دفاع از اعتراضات دانشجویان و علیه توحش جمهوری اسلامی و به آکسیونهای مختلف و ابتکاراتی که در کشورهای مختلف به کار گرفته شده و از جمله به آکسیون شهر منچستر انگلستان در دوم فوریه ۲۰۰۸ اشاره کرد که به صحنه پرشوری از افشای رژیم و عقب نشاندن آن بدل شد، رویدادی

→ ترجمه عملی اش برای ما این باشد که مانیفست حق داشت: دنیای دیگری ممکن است. در این شرایط جمع بزرگی از کمونیستها در این کنفرانس جمع شده اند و این باید سر آغاز دوره جدیدی از فعالیت کمونیستی برای ما باشد. کنفرانس ما در خارج کشور بر اساس مولفه های سیاسی جدیدی اولویتهایش را تدوین میکند. این کنفرانس با تصمیماتی که میگیرد به این سمت باید برود.

سپس فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی حزب ابتدا از طرف دفتر سیاسی حزب، از کمیته خارج کشور و همه کادرهای تشکیلات خارج بخاطر تلاشها و موفقیتهای دوره گذشته فعالیتشان قدردانی کرد و به هیئت حزب کمونیست کارگری عراق و مهمانان کنفرانس خوشامد گفت. در ادامه اشاره کرد که تقارن زمانی کنفرانس با روز شانزده آذر معنی و مفهوم خاصی به آن میبخشد، چراکه بخش برجسته و موثری از فعالیت سال گذشته حزب در خارج کشور متأثر از تحولاتی بود که بدنبال ابراز وجود جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در سیزده آذر سال پیش در صحنه سیاست جامعه ایران روی داد. فاتح شیخ با مرور مصاف حاکمیت اسلامی و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در سال گذشته که با دستگیری گسترده فعالین این جنبش شروع شد و آخرین صحنه آن تصمیم خامنه ای به حضور در دانشگاه بود، تاکید کرد که جمهوری اسلامی در این مصاف، نصیبی جز شکست نداشته است و حزب حکمیست و تشکیلات خارج آن، به هر میزان که در این شکست رژیم سهم داشته است حق دارد به آن افتخار کند. فاتح شیخ آنگاه به اوضاع متحول جهان در پی بحران اقتصادی جهان، به تشدید ناگزیر تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی، به تاثیر بحران جاری در اقتصاد و سیاست ایران و به ضرورت دخالت هرچه فعالانه تر فعالین حزب در همه این مصافهای طبقاتی پرداخت. در بخش آخر سخنانش فاتح شیخ اشاره کرد که اگر حزب ما هیچگاه فعالیت در خارج کشور را

آزادی، برابری، حکومت کارگری